

# همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

## مطالعه تطبیقی الگوی اقتصاد مقاومتی و الگوی لیبرالیسم اقتصادی

دکتر مسعود اخوان کاظمی<sup>۱۰۲</sup>

طیبه سادات حسینی<sup>۱۰۳</sup>

فرشته بهرامی پور<sup>۱۰۴</sup>

### چکیده

لیبرالیسم اقتصادی در اعتراض به دوره مرکانتلیسم به وجود آمد و به سرعت گسترش پیدا کرد و بر اقتصاد جهان مسلط شد مخصوصاً آنکه با گسترش شرکت های چندملیتی که مدیریت اکثر آن ها در دست آمریکایی ها بود سرمایه داران توانستند نبض اقتصاد جهان را در دست خود گیرند. نظام سرمایه داری ویژگی های خاص خود را دارد از جمله: فرد محوری، دولت حداقلی، عقلانیت ابزاری، تجارت آزاد، حاکمیت بازار آزاد و... اما به تدریج و با گذشت زمان ناکارآمدی این سیستم بیشتر بروز پیدا کرد که موجب ایجاد بحران هایی در جهان گردید. انقلاب اسلامی ایران ضمن اعتراض به وضع موجود و تناقضات ذاتی نظام سرمایه داری تلاش کرد تا با عقلانیتی جدید و متفاوت از سیستم گذشته مدل جدیدی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... معرفی کند که نقاط ضعف نظام قبلی را نداشته باشد. در این مقاله تنها مدل جایگزین اقتصادی از نظر تئوری مورد مقایسه قرار می گیرد، یعنی مقایسه الگوی «لیبرالیسم اقتصادی» و «اقتصاد مقاومتی».

مسئله این مقاله بیان ناکارآمدی سیستم لیبرالیسم اقتصادی و امکان جایگزینی آن با اقتصاد مقاومتی در چارچوب نظریه انتقادی و تغییر وضع موجود با مفروض ناکارآمدی نظام سوسیالیسم است. بنابراین سؤال اصلی این گونه مطرح می شود که آیا الگوی «اقتصاد مقاومتی» قابلیت جایگزینی «نظام سرمایه داری» را دارد؟

**کلید واژه:** نظریه انتقادی، لیبرالیسم اقتصادی، اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی

۱- دکتر مسعود اخوان کاظمی استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه  
شماره تلفن: ۰۹۱۸۸۳۱۶۵۳۹ mak392@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه

۳- دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه

# همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

## مقدمه

اقتصاد یکی از مهمترین موضوعات داخلی کشورها و نیز حوزه روابط بین الملل است زیرا ارتباط مستقیمی با قدرت دارد. لذا تلاش در جهت تقویت و سامان دادن آن یک مسئله مهم برای تمام اقشار و ملت هاست. لیبرالیسم اقتصادی پس از شکل گیری به سرعت گسترش پیدا کرد. آمریکا پس از جنگ جهانی اول موقعیت مناسبی در جهان برای فروش کالا، سرمایه گذاری و تسلط بر بازارهای جهان به دست آورد. سال های ۱۹۲۹-۱۹۲۱ اوج رونق اقتصادی آمریکا بود و برای آنکه بتوانند به راحتی سیاست های اقتصادی خود را در جهان پیاده کنند به تبلیغ سرمایه داری و گسترش آن در جهان پرداختند. بنابراین اقتصاد سرمایه داری به شکل غالب اقتصاد جهانی تبدیل شد. این مدل ویژگی های خاص خود را داشت از جمله اعتقاد به فردمحوری، حاکمیت بازار آزاد، دولت حداقلی و ... با وقوع انقلاب اسلامی ایران نمودهای مخالف جدی با دو الگوی کاپیتالیسم و سوسیالیسم بروز پیدا کرد. ایران به منظور رهایی از این دو الگو درصدد برآمد که الگوی جدیدی را معرفی کند. در نهایت پس از سال ها استخراج مؤلفه های اقتصاد اسلامی به معرفی «اقتصاد مقاومتی» روی آورد. مفروض نگارنده در این مقاله ناکارآمدی مدل سوسیالیسم است.

بنابراین این مقاله درصدد ارائه یک الگوی جدید در شرایط و اوضاع کنونی جهانی است. به سخن دیگر تلاش می شود به این پرسش پاسخ داده شود که: آیا الگوی اقتصاد مقاومتی می تواند یک الگوی جهانی و جایگزین نظام سرمایه داری باشد؟ بر مبنای این سوال پرسش های فرعی دیگری قابل طرح است. ایران بر چه مبنایی به دنبال ارائه الگویی جدید می باشد؟ ویژگی های نظام سرمایه داری چیست و با چه چالش هایی مواجه است؟ اقتصاد مقاومتی چه رابطه ای با اقتصاد اسلامی دارد؟ ویژگی های اقتصاد مقاومتی چیست؟

## چارچوب نظری: مکتب انتقادی

نظریه انتقادی یکی از رهیافت های فرااثبات گرا است. این نظریه در آرای فلسفی اندیشمندانی چون آدرنو، هور کهایمر، مارکوزه و هابرماس ریشه دارد. نظریه پردازانی همانند رابرت کاکس، اندرو لینک لیترو و مارک هافمن نیز آنرا جهت تحلیل و تبیین سیاست بین الملل به گار گرفته اند. مهمترین هدف و دستور کار نظریه انتقادی، نقد

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

ایدئولوژیک و فرانظری گفتمان غالب خردگرایی (رنالیسم و لیبرالیسم) در تمام مسائل است و آن‌ها را به چالش می‌کشد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۹)

در این نوشته سعی بر آن است که با تکیه بر آراء عمده کاکس، نظریه انتقادی در راستای مبحث مورد مطالعه تبیین شود.

هسته مرکزی نظریه انتقادی که اندیشه‌های نظریه پردازان حول آن شکل می‌یابد، مفهوم «رهایی» است. رهایی به مثابه دال متعالی که تمامی دال‌های دیگر براساس آن معنا می‌یابند و مفصل بندی می‌شوند. بر این اساس، رهایی در کانون اندیشه انتقادی قرار دارد؛ به گونه‌ای که بنیاد تفکر و دغدغه اصلی فکری هابرماس در تمامی آثار و آرای او، چگونگی پیوند و ارتباط میان علوم اجتماعی و آرمان‌های رهایی بشر و جامعه انسانی است. رهایی در اندیشه هابرماس به معنای دستیابی به استقلال عقلانی کنش است. لینک لیتز، رهایی را آزاد بودن به معنای حاکمیت بر سرنوشت و توانایی ابتکار عمل تعریف می‌کند.

از نظر هابرماس سه دسته علایق شناختی وجود دارد که به سه نوع شناخت متفاوت منتهی می‌گردد:

- ۱- علایق فنی: که به علوم تحلیلی - تجربی یا اثبات گرایانه شکل می‌دهد و دغدغه اصلی آن کنترل است؛
- ۲- علایق عملی، تفاهمی یا ارتباطی: که به دانش تأدیلی یا هرمونیک منتهی می‌شود و دغدغه اصلی آن فهم است؛
- ۳- علایق رهایی بخشی: که بنیان شناخت انتقادی است و دغدغه اصلی آن ایجاد دگرگونی و نهایتاً نیل به رهایی است. (مشیرزاده، ۱۳۹۰؛ ۲۱۹)

علایق رهایی بخشی ناشی از تمایل انسان به تفکر و تأمل انتقادی درباره مفروض‌های ذهنی است. این نوع علاقه، انسان را بر آن می‌دارد تا خود را از محدودیت‌ها و فشارهای ناشی از عوامل انسانی و محیط اجتماعی رها سازد. لازمه رهایی نیز بکارگیری عقل انتقادی یا عقلانیت است، عقلانیتی که نه برای تصرف در طبیعت و تفاهم بلکه به منظور نقد و تغییر وضع موجود جهت رسیدن به نظم و شرایط مطلوب به کار می‌رود؛ وضعیتی که در آن انسان با تأمل و تفکر، به خود آگاهی، خود فهمی، تعالی، سعادت و شرایط اخلاقی متعالی و رهایی دست می‌یابد. علائق رهایی، رابطه تنگاتنگی با مفهوم تأمل و تفکر دارند زیرا رهایی نیازمند تفکر انسان درباره چگونگی شکل‌گیری مغالطه‌ها و ابهام‌هایی است که در طول تاریخ بشری شکل گرفته و غلبه بر آن‌ها از راه تغییر رفتار و عمل است.

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

بر این اساس، می توان در اندیشه و سنت انتقادی، رهایی را به صورت خودمختاری، امنیت و آزادی انسان ها و ملت ها از ساختارهای سلطه و سرکوب و براندازی بسترها و بافت های اجتماعی محدودیت ساز و زمینه سازی بی عدالتی و نیز بازتعریف و صورت بندی دوباره عدالت و برابری در روابط و نظام بین الملل تعریف کرد.

رهایی از طریق ابزارهای خشونت آمیز و سازوکارهای انقلابی به دست نمی آید بلکه از راه تفاهم بیناذهنی، اخلاق گفتمانی و تأمل انتقادی تأمین می شود. رهایی نیازمند اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی در جامعه داخلی و بین المللی است. آن ها به دنبال تشکیل اجتماع جهانی هستند که دربرگیرنده کلیه افراد بشری باشد. این اجتماع اخلاقی - سیاسی بر مبنای اصول اخلاقی جهان شمول بوده و تضمین کننده هویت و مصالح و امنیت مشترک انسانی است. در این نظم و نظام نوین جهانی از هژمونی و مناسبات قدرت، بی عدالتی، نابرابری انسان ها، ساختارهای سلطه و سرکوب، خودپرستی و منفعت طلبی ملی، زور و خشونت خبری نیست بلکه اجتماعی سرشار از رفاه، برابری، عدم تبعیض، آزادی، سخاوت، صلح، امنیت و نوع دوستی است که بشریت در آن به عدالت و رهایی می رسد. (دهقانی فیروزآبادی، پیشین: ۱۴۴ - ۱۳۶)

در واقع نظریه انتقادی در پی رها ساختن بشر از ساختارهای سیستم در سیاست جهانی و اقتصاد جهانی است که تحت کنترل قدرت های هژمونیک قرار دارند. آن ها در تلاش اند نقاب از چهره پوشیده سلطه شمال ثروتمند بر جنوب فقیر بردارند. نظریه پردازان انتقادی صراحتاً سیاسی اند؛ یعنی ایدئولوژی مترقیانه خود در زمینه رهایی را مورد دفاع قرار می دهند و آن را اشاعه می دهند. (مشیرزاده، پیشین: ۲۴۸)

دیدگاه کاکس به تغییر نظام بین الملل انقلابی تر از دیگران است و به دنبال کشف و متحد کردن نیروهای مخالف در ساختار بین الملل است. او معتقد است برای رسیدن به این تغییر میتوان از تناقضات درونی نظم موجود برای به چالش کشیدن آن استفاده کرد و به نظم جهانی عادلانه تری دست یافت. به نظر وی، جنبش های اجتماعی و نیروهای ضد هژمونیک بهترین نیرو برای به چالش کشیدن ترتیبات سیاسی و نهادی مسلط هستند. کاکس اذعان می کند این پروژه سیاسی - اخلاقی مستلزم شکل گیری بلوک جدید تاریخی است و لازمه شکل گیری این بلوک، مبارزه آگاهانه و برنامه ریزی شده است که علاوه بر تسخیر مراکز قدرت باید دارای قدرت ایدئولوژی، قدرت اقتصادی و استدلال قانع کننده باشد. (ارجمند و حق گو، ۱۳۹۰: ۱۰۹)

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

از نظر کاکس در هر ساختار سه مقوله از نیروها در تعامل با یکدیگرند: توانمندی های مادی، انگاره ها، نهادها. که لزوماً رابطه جبرگرایانه یک جانبه ای نیز میان آن ها وجود ندارد.

۱- توانمندی های مادی: می تواند جنبه مولد (مانند زیرساخت ها، تولیدات مصرفی و...) یا مخرب (مانند تسلیحات) داشته باشد و شامل فناوری، منابع ثروت و... است؛

۲- انگاره ها: که بر دو نوع اند: الف) معانی بینذهنی یا برداشت های مشترک از سرشت روابط اجتماعی که تداوم بخش عادتند ب) تصاویر جمعی از نظم اجتماعی که گروه های مختلف از مردم آن ها را دارند و برداشت های متفاوتی از سرشت و مشروعیت روابط قدرت موجود را منعکس می سازند؛

۳- نهادینگی: ابزاری برای تثبیت و تداوم بخشیدن به نظامی خاص است. نهادها بازتاب روابط قدرت مسلط اند و تصاویر جمعی مناسب با این روابط را تشویق می کنند. ممکن است یک نهاد به عرصه کارزار و تعارض میان گرایش های مختلف تبدیل شود یا نهادهای متعدد و متفاوتی تشکیل گیرند. نهادها به کاهش استفاده از زور از سوی قدرت هژمون کمک می کنند و تکیه گاه راهبردی آن هستند، هر چند که هژمونی را نمی توان به بعد نهادین آن تقلیل داد. (مشیرزاده، پیشین: ۲۳۱)

کاکس اشاره میکند: «هرگونه تلاش برای برقراری صلح پایدار جهانی بدون اتخاذ شرایطی برای استقرار عدالت و رفع بی عدالتی های موجود بیهوده خواهد بود و اساساً صلح پایدار در گرو استقرار عدالت در جهان است و عدالت جهانی پیش مقدمه ای برای برقراری صلح پایدار جهانی خواهد بود. (ارجمند و حق گو، پیشین: ۱۱۳)

نظریه انتقادی از طریق اتخاذ موضع بازتابی در چارچوب وضعیت موجود نظم حاکم بر جهان، مبانی و مشروعیت نهادهای اجتماعی و سیاسی را زیر سوال برده، مبادرت به بررسی شیوه ای می کند تا آن ها را دستخوش تغییر و دگرگونی سازد و در این روند تاریخ به صورت فرایندی که به طور مستمر تغییر می یابد نگاه می شود. (قوام، ۱۳۹۲:

(۱۹۴)

تغییر وضع موجود و استقرار نظم مطلوب و شکل گیری نظام مشروع، به صورت مسالمت آمیز، از طریق گفتگو و اخلاق گفتمانی معطوف به اجماع رخ می دهد، البته تأکید بر ضرورت اجماع، به معنای فقدان و نفی نیروها و کشورهای ضد هژمونیک در فرایند براندازی روابط هژمونیک و ساختارهای سلطه نیست؛ زیرا همان گونه که

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

کاکس می گوید: «شکل گیری و حضور قدرت های ضد هژمونیک حاشیه ای همانند کشورهای پیرامونی و جهان سومی، شرط لازم تغییر نظم هژمونیک موجود است. (دهقانی فیروز آبادی، پیشین: ۱۴۵-۱۴۴)

در دیدگاه انتقادیان، دو عنصر مهم در روابط بین الملل یعنی ساختار و کار گزار، رابطه ای تعاملی با یکدیگر دارند؛ یعنی کار گزار انسانی می تواند با تغییر رفتارها و برداشت های خود، ساختار را تغییر دهد. بنابراین، در نگاه آن ساختار بین الملل، برخلاف نگاه واقع گرایان، تغییر پذیری است؛ زیرا ساختار، متشکل از عناصری نظیر ابعاد بیناذهنی، ایده ها، ایدئولوژی و نظریه ها و ساختارهای اجتماعی - اقتصادی است که با تغییر هر یک از این اجزا، تغییر در ساختار را شاهد خواهیم بود. بنابراین، رابطه متقابل ساختار - کار گزار و ساخت اجتماعی واقعیت از جمله محورهای اصلی در این نظریه است که فرایند تغییر بر اساس آن تبیین می شود. (ارجمند و حق گو، پیشین: ۱۱۹)

نکته آخر اینکه از نظر نظریه پردازان انتقادی دانش از لحاظ اخلاقی، سیاسی، ایدئولوژیک ممکن نیست خنثی و بی طرف باشد. همواره با دانش به صورت تعصب آمیز برخورد می شود زیرا مبتنی بر دیدگاه تحلیل گراست. تحت این شرایط دانش آگاهانه یا ناآگاهانه به سوی منافع، ارزش ها، گروه ها، احزاب و ملت های خاص گرایش دارد. بسیاری از نظریه پردازان انتقادی در صدد بهره گیری از دانش برای مقاصد سیاسی اند تا بدین وسیله باعث رهایی انسان بشوند. از ساختارهای سرکوب کننده سیاست و اقتصاد جهانی که تحت سلطه قدرت های بزرگ به ویژه سرمایه داری ایالات متحده آمریکا است. (قوام، پیشین: ۱۹۵-۱۹۴)

حفظ وضع موجود خواسته نظام بین الملل است که با هر وسیله و الگوی رفتاری سعی در حفظ آن داشت؛ حال اگر بازیگری سعی در فرو ریختن این ساختار بنماید، خاطی و تجدید نظر طلب محسوب می شود که آن را باید کنترل کرد. (از طریق تحریم، فشار، جنگ و...) تفکر انقلابی برای خود تعهد و رسالتی خاص را قائل است که در پی این رسالت، خواستار تحول، دگرگونی و ایجاد نظم مطلوب خود است که این تعهد قابل تسری به محیط جهانی بود. یکی از این دگرگونی ها تحول در نظم اقتصادی جهانی و تغییر نظام سرمایه داری است.

انقلاب اسلامی ایران با نقد وضع موجود در ساختار داخلی و نظام بین الملل و نیز تأکید بر سنت های موجود و با عقلانیتی جدید (مقرون ساختن عقل و دین و اخلاق) برای تغییر نگرش و عملکرد دولت ها و نیز رهایی بخشیدن ملت ها از قیدوبند های ساختار مسلط جهانی، می تواند نمونه مناسبی برای تبیین نظریه انتقادی باشد. نظم نوینی را

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

که انقلاب اسلامی در پی آن بود، می توان طلیعه ای از یک نظام جهانی با محوریت عدالت دانست. در همین راستا ایران الگوی اقتصاد مقاومتی را به عنوان یک الگوی اسلامی - ایرانی معرفی می کند.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک روند شامل مجموعه ای از ارزش ها، باورها، ایستارها تشکیل دهنده هویت اسلامی ضمن نفی وضع موجود، نظام بین الملل را نظامی قدرت محور قلمداد کرده که برای بقای خود راهی جز استثمار ضعفا ندارد. انقلاب اسلامی با گفتمان نه شرقی - نه غربی سعی در گریز از چارچوب ساختار نظام دوقطبی اتحاد و ائتلاف به سوی عدم تعهد و برای حفظ انقلاب و ترویج اصول انسانی - الهی آن سعی در صدور آن دارد. از جمله ابزار صدور انقلاب اسلامی به سایر کشور های جهان ارائه مدلی اقتصادی مطلوب با سرشت انسان می باشد. (یزدانی و قاسمی و شاه قلعه، ۱۳۹۰: ۲۲۶ - ۲۰۶)

### سیستم سرمایه داری و چالش های آن

نیروی اقتصاد، پایه مهمی برای قدرت سیاسی است. اگر اقتصاد در تعقیب سرمایه است، سرمایه نیز در تعقیب قدرت است، این دو در شبکه ای پیچیده و سردرگم کننده با هم تعامل دارند. این اثر متقابل پیچیده در بستر بین الملل بین سیاست و اقتصاد و بین دولت ها و بازار است که هسته اقتصاد سیاسی بین الملل را تشکیل می دهد. لیبرالیسم اقتصادی در اعتراض به کنترل سیاسی همه جانبه و مقررات مربوط به امور اقتصادی ظهور کرد که بر ساخت دولت های اروپایی در قرن ۱۶ و ۱۷ - یعنی دوره مرکانتلیسم - حاکم بود. در فاصله سال های ۱۷۰۰ - ۱۷۷۰ از صنعتی شدن بود که جهان بینی فردگرایانه لیبرالیسم کلاسیک ایدئولوژی حاکم بر سرمایه داری شد. آنان باور داشتند که افراد خودخواه، حسابگر، اصولا تنبل و غیراجتماعی هستند. طبق این نظر، انگیزه همه اعمال انسان تمنای او برای کسب لذت و احتراز از درد است. از سوی دیگر، یکی از ارکان اساسی لیبرالیسم کلاسیک این بود که انسان ها باید آزاد باشند تا با حداقل نظارت یا محدودیت از طرف جامعه مجانی برای کوشش های خودخواهانه خود بیابند.

بازار آزاد، که در آن تولیدکنندگان در تلاشی خودخواهانه برای سود بیشتر با یکدیگر رقابت می کنند، متضمن هدایت سرمایه و کار و در جهتی خواهد بود که بیشترین باروری را دارد. بازار آزاد، همچنین تضمین می کند که کالاهای تولید شده بیش از همه مورد درخواست و نیاز مصرف کنندگان باشد. به علاوه، بازار موجب تلاشی مداوم برای بهبود کیفیت کالاها و سازماندهی تولید به وجهی که بالاترین کارایی و کم ترین هزینه ممکن را داشته باشد

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

می گردد. تمامی این فعالیت های سودمند نتیجه مستقیم رقابت افراد خودخواهی است که هریک به دنبال منافع خود هستند. فلسفه تجارت آزاد بی قید و شرط لیبرال های کلاسیک تنها در صورتی مخالف دخالت حکومت در امور اقتصادی بود که این دخالت به زیان منافع سرمایه داران باشد. آنان از دخالت های پدرسالارانه حکومت در امور اقتصادی که موجب تثبیت اوضاع اقتصادی یا به دست آوردن سودهای بیشتر می شد استقبال می کردند و حتی به خاطر آن دست به مبارزه می زدند. (هانت، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۰۲) پس میتوان گفت که این سیستم اقتصادی مبانی و اصولی دارد که عبارتند از:

- ۱- بشر موجودی اقتصادی است، انگیزه عمل آن نیز در قالب اقتصادی قابل تبیین می باشد؛
- ۲- بازار به منظور رفع نیازهای بشری عمل می کند و در کارکرد خود دارای منطق خاصی می باشد (قانون عرضه و تقاضا)؛
- ۳- منطق و سیستم بازار، افزایش رفاه و کارایی اقتصادی، به حداکثر رساندن رشد اقتصادی و بهبود رفاه بشری است؛
- ۴- افراد، مصرف کنندگان و شرکت ها پایه اصلی جامعه هستند؛
- ۵- اقتصاد بازار تمایل شدیدی به سمت تعادل دارد؛
- ۶- هماهنگی و هارمونی بلندمدت در میان منافع ایجاد می گردد. (با توجه به اصل مزیت نسبی)؛
- ۷- لیبرال ها بر این باورند که تجارت و روابط اقتصادی منبع روابط صلح آمیز در میان ملت هاست، چراکه سود متقابل در میان اقتصاد های ملی، روابط مثبتی بر همکاری را گسترش خواهد داد؛
- ۸- اقتصاد بین الملل لیبرال بدنه ای از منافع متقابل و متعهد به وضع موجود را ایجاد می کند. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۳۸-۳۷) آدم اسمیت، پدر لیبرالیسم اقتصادی، معتقد بود که بازار به طور خودبه خودی متمایل است تا در جهت ارضاء نیازهای انسان گسترش یابد، مشروط بر اینکه دولت دخالتی نکند.

لیبرال های اقتصادی این دیدگاه مرکانتلیستی را در مورد مسائل اقتصادی دولت تنها بازیگر و نقطه اصلی است را رد می کند. افراد - به عنوان مصرف کننده و تولید کننده - بازیگران اصلی اند. بازار، منطقه بازی است که افراد گردهم می آیند تا کالاها و خدمات را مبادله کنند. افراد معقول اند و هنگامی که فرد خود را در بازار به کار می گیرند همه شرکت کنندگان سود می برند. از این رو مبادله اقتصادی در بازار، بازی با حاصل جمع مثبت است؛ یعنی هرکس بیشتر از آنچه سرمایه گذاری کرده است سود می برد. افراد و شرکت ها در بازار فعال نخواهند شد مگر



## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

آنکه به نفع آن‌ها باشد سپس راه سعادت بشر از طریق گسترش بدون محدودیت اقتصاد بازار آزاد (سرمایه داری) آن‌هم نه تنها در هر کشور بلکه همچنین فرای مرزهای بین‌المللی است. (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۲۳۳-۲۲۶).

اما لیبرالیسم اقتصادی با چالش‌هایی مواجه شد که موجب ناکارآمدی آن و ایجاد بحران‌هایی در اقتصاد جهانی شد. مهمترین علت عدم تعادل ساختاری نظام نیز تشدید رقابت‌های کشورهای صنعتی با یکدیگر حول شاخه تکنولوژی موجود، یعنی صنعت اتومبیل‌سازی و صنایع مصرفی بود که موجب کاهش سودآوری صنایع و لذا بحران در مدل انباشت موجود گردید. همچنین، وابستگی این صنایع به مصرف حجم بالایی از مواد خام به علت انرژی بر بودن آن‌ها، از یک سو، با گران شدن قیمت مواد خام، به کاهش بیشتر سودآوری این صنایع منجر گردید، و از سوی دیگر، مصرف سوخت‌های فسیلی در این شیوه تولید به شکل‌گیری بحران‌های زیست‌محیطی و اعتراضات اجتماعی مختلف در غرب انجامید. در کنار این مؤلفه‌ها، باید به اعتراضات کارگری، بالا رفتن هزینه‌های نگه‌داری نظم هژمونیک موجود برای آمریکا، و لذا ایجاد کسری بودجه و کسری تراز بازرگانی و سرمایه داری این کشور در مقایسه با رقبا توجه کرد، که به نوبه خود نقشی اساسی در فروپاشی نظام برتون وودز و تعمیق بحران داشت. (دانش‌نیا، ۱۳۹۰: ۹۰) بطور کلی می‌توان بحران‌های عمده نظام سرمایه داری و به صورت مشخص ایالات متحده آمریکا را عبارت دانست از: فروپاشی نظام برتون وودز یا همان نرخ ثابت ارز و دلار و طلا که به دلیل عدم همراهی سایر قدرت‌های اقتصادی مانند آلمان، فرانسه و... با آمریکا به وجود آمد. (قنبرلو، ۱۳۸۵: ۸۳۴-۸۳۳)

دلیل دیگر شکل‌گیری منطقه‌گرایی در مقابل جهان‌گرایی است؛ در واقع آمریکا برای ادامه نظام سرمایه داری به جهانی‌سازی و به عبارت دیگر آمریکایی‌کردن جهان نیاز داشت اما به تدریج با شکل‌گیری پیمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا، آ.سه. آن، آلبا و... این خواسته نیز برآورده نشد و جهان به سوی فضای چندقطبی پیش می‌رفت. (کریمی پور و کامران، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۲) با شکل‌گیری فضای چندقطبی، بلوک‌های قدرت جدیدی شکل گرفتند که در رقابت با نظام سرمایه داری از دهه ۱۹۷۰ به بعد در آمریکا بحران‌های داخلی شکل گرفت که نتیجه سیاست‌های اشتباه بود مانند جنبش وال استریت. در سپتامبر ۲۰۱۱ مرکز ملی آمار ایالات متحده اعلام کرد که بیش از ۴۶/۲ میلیون نفر آمریکایی در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۹۳ مشاهده شد. در سال ۲۰۱۰، نرخ فقر معادل ۱۵/۱ درصد بود، که در مقایسه با نرخ فقر ۱۴/۳ درصد گزارش شده برای سال ۲۰۰۹ افزایش یافته بود. (لطفیان، ۱۳۸۹: ۸۲-۶۶)

با ایجاد این بحران‌ها به تدریج بحران‌های دیگری شکل گرفت مانند کاهش نقش جهانی و منطقه‌ای آمریکا و

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

ناتوانی آن در حل بحران‌ها که بحران‌های عراق و سوریه نمونه‌هایی از آن است. اما مهمترین چالش آن‌ها مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی ایران بحث گفتمان اسلامی بود که به طور کامل در مقابل گفتمان لیبرالیسم قرار می‌گرفت.

مدرنیسم و پیشرفت غرب، رفاه بیشتر را نشانه گرفت و تعریف این رفاه (مادی) و لذت بیشتر نیز، در «مصرف» عیان می‌گردد. به دیگر سخن، عبارت «من می‌اندیشم، پس هستم» به «من مصرف می‌کنم، پس هستم» تبدیل و تغییر می‌یابد و هستی و وجود انسانم برابر با مصرف قرار می‌گیرد. در این نظام تنوع کالا از یک سو و لذت انسان‌ها از مصرف، از سوی دیگر، این نظام را پیش می‌برد. اما برهم خوردن چنین سازوکاری نیز به رکود یا تورم منجر خواهد شد. سیستم اقتصادی نظام سرمایه‌داری بر این اساس استوار است که مقدار کمی از ارزش افزوده تولید شده باید در جامعه خرج شود تا مردم بتوانند خرید کنند و بقیه ارزش افزوده ایجاد شده در اثر مصرف باید به دست سرمایه‌دار برسد. پس هر زمان که مردم دیگر پولی برای خرید نداشته باشند، این ساختار اقتصادی شکست خواهد خورد. (فیاض، ۱۳۸۸: ۸۰)

فردگرایی لیبرالیسم فرد را مقدم بر جامعه می‌داند و فرهنگ و سنت را برخاسته از اراده انسان‌ها می‌داند اما باید دانست که اشخاص خودمختار در انزوا و تنهایی به وجود نمی‌آیند، بلکه در متن ارزش‌ها و فرهنگ جامعه شکل می‌گیرند. فردگرایی افراطی در تفکر لیبرال، به طور بدبینانه‌ای فقط تمایزها، جدایی‌ها و بیگانگی‌ها را ملاحظه کرده و چشم خود را به روی عواطف مشترک، نوع دوستی‌ها، همدلی‌ها، خیرخواهی‌ها و... بسته است که این امر به بی‌هنجاری، خودمحوری، بی‌تعهدی و... منجر می‌شود. (براتعلی و توسلی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳)

فراگیر بودن مبادله در بازار، روابط متقابل اقتصادی میان افراد را سرد و غیرصمیمانه می‌کند. در این نظام، زندگی فرد در گرو تلاش تولیدی افراد بی‌شمار است و در مقابل حیات افرادی بی‌شمار بستگی به این دارد که فرد نقش تولیدی خود را انجام دهد. اما این وابستگی متقابل میان افراد جنبه‌ای صمیمانه نداشته و فقط به صورت وابستگی‌ای است که هر فردی به پول دارد تا کالای مورد نیاز خود را از بازار بخرد.

ساخت طبقاتی سرمایه‌داری، مستلزم جدایی نیروی کار از مالکیت بر منابع تولیدی و نداشتن کنترلی بر آن‌هاست. اما نیروی کار که نه بر منابع تولیدی مالکیت دارد و نه کنترل، از این منابع برای رفع نیازهای جامعه استفاده می‌کنند. طبقه‌ی سرمایه‌دار متشکل از افرادی است که منابع تولیدی را مالک‌اند. آنان با درآمدهای که از این مالکیت کسب

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

می گذرانند، چه مولد باشند؛ چه نباشند. اما کارگران که مالکیتی بر منابع تولیدی ندارند راهی جز فروش نیروی کار خود ندارند تا از سقوط به طبقه فقیر بپرهیزند.

حد فاصل میان طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر طبقه می متوسطی است از پیشه وران و صاحبان حرف. افراد این طبقه بر مقدار اندکی از منابع تولیدی مالکیت و کنترل دارند و از این راه امرار معاش می کنند. اما میزان مالکیت آنان آنقدر نیست که همچون سرمایه داران از کار کردن بی نیاز باشند. پیشه وران و صاحبان حرف برای گذراندن زندگی باید تن به کار دهند.

بالاخره، از همه محروم تر در جامعه سرمایه داری طبقه می فقیر است که نه تنها مالکیت و کنترلی بر منابع تولیدی ندارد، بلکه به دلایل مختلف نمی تواند نیروی کارش را در بازار بفروشد. در همه جوامع سرمایه داری، درآمد حاصل از مالکیت و مزد کار تنها منابع درآمدی هستند که از دیدگاه اجتماعی مشروع به شمار می آیند. طبقه فقرا ناگزیرند به درآمدهایی روی آورند که چندان مشروع به حساب نمی آیند، مثل دریافت امداد اجتماعی و صدقه و یا روی آوردن به کارهای ناشایست یا غیرقانونی تا روزگارشان بگذرد.

مشخصه دیگر سرمایه داری این است که تلاش برای کسب سود نیروی شکل دهنده به مکانیسم تخصیص منابع است و این از چگونگی طبقه بندی اجتماعی سرمایه داری ناشی می شود. تمامی منابع تولیدی در مالکیت و تحت کنترل طبقه می سرمایه دار و طبقه متوسط است. سرمایه داران مؤسسات بزرگ اقتصادی را در اختیار دارند و افراد طبقه متوسط تعداد بی شمار مؤسسات کوچک را. (هانت، پیشین: ۵۷-۵۶)

برخی از نظریه پردازان نظریه وابستگی قائل به وجود دو مجموعه روابط استثماری در سیستم سرمایه داری هستند. اول در شرکت های خاصی صاحبان سرمایه بهره برداری از نیروی کارگران آن ها را استثمار می کنند. دومین رابطه استثماری، رابطه بین دولت های مرکز و پیرامون در اقتصاد جهانی است. سرمایه داری به طور موزون توسعه نمی یابد. در عوض، تمایل دارد که توسعه را در مناطق خاصی متمرکز کند که مرکز نام دارد و وجه مشخصه آن صنعتی شدن پیشرفته، توسعه فنی سریع، نرخ های بالای دستمزد و استانداردهای مطلوب زندگی است. ویژگی مناطق پیرامون که به لحاظ جغرافیایی قسمت اعظم اقتصاد جهانی را تشکیل می دهد، صنعتی شدن محدود، ابداعات فنی ناچیز و دستمزدها و استانداردهای زندگی نسبتا پایین است.

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

توسعه کشورهای مرکز به عدم توسعه کشورهای پیرامون ارتباط پیدا می کند. سیستم جهانی سرمایه داری فعلی

تمایلی دارد نابرابری ها را در میان کشورها ابدی و تقویت کند. (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۷: ۲۲۰-۲۱۹)

گسترش و تعادل نظام سرمایه داری تا زمانی است که ایده ها، نهادها، ظرفیت های تولیدی یا تقسیم کار، مدل انباشت، شاخه تکنولوژی و ایدئولوژی موجود در آن کارایی، بازدهی و مشروعیت داشته باشد. بحران در واقع نوعی

عدم کارایی در فرمسیون مذکور به شمار می رود. (خالقی، ۱۳۸۵: ۱۹)

نظام کنونی جهان برای بسیاری از انسان ها از اساس غیر عادلانه است. در حالیکه در آن ثروتمندترین ها بسیار

ثروتمندتر می شوند، اکثریتی بی شمار تنها برای بقا تلاش می کنند. در تمام دورانی که به عنوان بزرگ ترین دوره

تولید ثروت شناخته شده سال های ۱۹۹۰-۱۹۸۰ پیام کشورهای عمده و یارانشان در جوامع مالی به فقیرترین ملت ها

همواره این بوده که سود فردا در بطن زیان امروز نهفته است. (راتکاف، ۱۳۸۵: ۳۶۲)

به هر حال از دیدگاه نظریه پردازان انتقادی، صلح و امنیت واقعی زمانی در سطح جهان ظهور می یابد که تناقضات

عمده سرمایه داری که به پیدایش بحران های اقتصادی و بی ثباتی منجر می شوند از بین رفته با انسان ها به صورت

ابزار برخورد نشود. هدف از تولید صرفا سود نباشد و نظام بین الملل شکل استثماری خود را از دست

بدهد. (قوام، پیشین: ۱۹۶)

کشور مهبوبانیف سفیر سابق سنگاپور در سازمان ملل می گوید: «اکنون بازنگری در ماهیت حکمرانی جهانی

ضرورت تام دارد. در سازمان ملل شورای امنیتی که تنها ظفرمندان جنگ ۱۹۴۵ آن را نمایندگی می کنند نمی تواند

قابل قبول باشد. احتمالا در سال ۲۰۴۵، با تحولات ژرفی که در صحنه جهانی رخ خواهد داد، این قدرت ها دیگر

جایگاه سابق خود را نخواهند داشت. این تحولات عملا رخ داده است... فارغ از این تحولات، آن ها مشروعیت

خود را نیز از دست خواهند داد، که در این صورت معلوم نیست چه کسانی را باید نمایندگی کنند؟!»

(راتکاف، پیشین: ۲۳۸-۲۳۷)

همچنین سندی برگر، مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا می گوید: «جابه جایی شگفت انگیزی در حوزه اقتدار و نفوذ

از غرب به شرق \_ رخ داده است، و در اثر آن یقینا برتری مطلق آمریکا، که ظرف پنجاه سال گذشته تداوم

داشته، پایدار نخواهد ماند.» (راتکاف، همان: ۳۵۷)

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

با توجه به مطالبی که گفته شد میتوان اذعان کرد که دوران هژمونی آمریکا و نظام کاپیتالیسم به پایان رسیده است و این نظام کاربرد خود را در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... از دست داده است که نمی تواند همچون گذشته به حل مسائل پردازد. به همین منظور باید منتظر جایگزینی برای این نظام ناکارآمد بود.

بنابراین با توجه به ناکارآمدی دو مدل اقتصادی سوسیالیسم و کاپیتالیسم، جهان به به مدل اقتصادی و استراتژی دیگری نیاز دارد که نقاط قوت این دو مدل اقتصادی را داشته و نقاط ضعف آن ها را نداشته باشد.

ایران از جمله کشورهایی است که به دلیل داشتن اقتدار و ذخایر بزرگ نفت و گاز طبیعی، منابع، معادن و ... می تواند با چند اصلاح و تعدیل به پیشتاز دوران جدید فاقد هژمونی مبدل شود.

در همین راستا ایران اسلامی به منظور رهایی نظام های مختلف از سیستم ناکارآمد حاکم به عنوان یک بازیگر ضد هژمونیک به دنبال معرفی یک مدل اقتصادی است که تمام نظام های جهان با هر مدل حکومت می توانند آنرا به کار گیرند، که ضمن همکاری و تعامل سازنده با یکدیگر، همه اعضا به منافع تعریف شده برای خود می رسند و در آن کرامت انسانی، اخلاق و عزت جامعه حفظ می شود. در این مدل دیگر قدرت هژمونیک وجود ندارد بلکه عدالت و برابری جایگزین آن می شود. این الگو ضمن نفی اصول امپریالیستی سرمایه داری، الگویی را سازگار با تمام جوامع بشری ارائه می دهد و به دو بعد وجودی انسان ها و مصالح فرد و جامعه توجه می کند، برخلاف اقتصاد سرمایه داری که تنها به بعد مادی انسان و منافع سرمایه داران به هر نحو ممکن توجه دارد. این الگوی اقتصادی اسلامی - ایرانی، الگوی اقتصاد مقاومتی است که در ادامه به معرفی آن می پردازیم.

از آنجا که الگوی اقتصاد مقاومتی یکی از وجوه اقتصاد اسلامی است، پیشتر به توضیح مختصری در باب اقتصاد اسلامی اکتفا می کنیم.

### اقتصاد اسلامی

اسلام، فعالیت های اقتصادی بشر را به عنوان بخشی از مسئولیت هایش در این دنیا در نظر می گیرد. هر چه انسان به فعالیت های اقتصادی بیشتری پردازد، می تواند انسان بهتری باشد، مشروط بر آنکه توازن را در زندگی خود حفظ کند.

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

از نظر اسلام ثروت به خودی خود خوب است و به دنبال آن رفتن یک هدف مشروع رفتار بشری تلقی می شود زیرا که کار مولد اقتصادی به خود به خود یک ارزش مذهبی است.

اسلام تلاش در جهت پیشرفت مادی را محدود نمی کند. اما سطح معینی از تأمین مادی را به عنوان شرط لازم برای تکامل یک الگوی اجتماعی مطلوب در نظر می گیرد و افراد را تشویق و ترغیب می کند که تمام تلاش خود را برای دستیابی به موفقیت به کار گیرند. اسلام مقرر می کند که جامعه یک چنین تأمین مادی را برای هر فرد و تحت شرایطی تضمین کند. (قحف، ۱۳۷۶: ۲۸-۱۵)

آزادی اقتصادی نخستین رکن یا ستون در ساختار بازار اسلامی محسوب می شود. ولی آزادی آن بیشتر در همکاری و تعاون تا رقابت بیان شده است. در واقع رقابت را در سایه همکاری سالم با یکدیگر می پذیرد. بنابراین همکاری موضوع عمومی نظام اجتماعی اسلامی است.

اقتصاد تعاونی، بستری برای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام فراهم می آورد از جمله: پویا ساختن اشتغال و رفع بیکاری، تثبیت سطح عمومی قیمت ها، رفع نابرابری فرصت ها، تربیت و تقویت انگیزه های اخلاقی، جلوگیری از انحصار، جلوگیری از رباخواری، جلوگیری از احتکار و... (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۲۰)

نظام اقتصادی اسلام دولت را به عنوان یک همزیست دائمی و ثابت سایر واحدهای اقتصادی در بازار می نگرد. در واقع دولت به عنوان یک برنامه ریز ناظر، تولیدکننده و همچنین مصرف کننده در نظر گرفته شده است. از آنجا که اسلام به «دست نامرئی» عقیده ندارد، تولید و توزیع باید سازماندهی گردد تا بتوان به یک الگوی مشخصی از مصرف و توزیع دست یافت. دولت اسلامی باید نقش برنامه ریزی و سازماندهی را بپذیرد. (قحف، پیشین: ۶۱)

دو ویژگی دیگر اقتصاد اسلامی از نظر شهید صدر، واقعی و اخلاقی بودن است. شهید صدر تصریح می کند که هدف اقتصاد اسلامی هدفی واقعی است زیرا اسلام در ابعاد اقتصادی، اهدافی را ترسیم می کند که با روح و سرشت انسانی هماهنگی دارد و واقعیت ها و محدودیت های زندگی مادی بشر را نیز کاملاً در نظر می گیرد. منظور از اخلاقی بودن اقتصاد اسلامی این است که اسلام برای رسیدن به اهداف خود به عوامل روحی نیز توجه می کند. (امیری طهرانی زاده و افروغ، ۱۳۷۸: ۱۵)

به صورت اجمالی می توان گفت اهداف و مبانی اساسی اقتصاد اسلامی عبارتند از: برقراری عدالت، مبارزه با فقر، ظلم ستیزی، اجرای اصل مساوات، مبارزه با قانون شکنی، مبارزه با رشوه خواری، مراعات کرامت انسان،

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

احترام به حقوق مردم، تأمین سعادت انسان ها در دنیا و آخرت، اصالت دادن به تولید، مشارکت دادن مردم در تولید، اهتمام به عمران و آبادانی، مبارزه با رانت خواری، اصالت دادن به کار و تلاش، مبارزه با انباشت ثروت های راکد، مخالفت با اسراف و تجمل گرایی، مبارزه با استثمار و بهره کشی از دیگران، رسیدگی به محرومان و اقشار آسیب پذیر، اهتمام به اصول عدالت اجتماعی، اهتمام به کسب حلال و درنهایت سربلندی جامعه اسلامی در جهان. (حسینی نسب، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷)

### اقتصاد مقاومتی و ویژگی های آن

برای غلبه بر شرایط نامناسب اقتصادی حاکم بر جهان بایستی یک مدیریت و رهبری قوی اقتصادی ایجاد شود که بتواند در مقابل چالش ها از خود انعطاف پذیری نشان دهد و از فرصت های در حال تغییر نهایت بهره برداری را انجام دهد. برای رسیدن به این اهداف باید بتوان در خود آمادگی کامل برای پذیرش مخاطرات اقتصادی همراه با انعطاف لازم در مقابل آن ها ایجاد کرد. اگر چنین آمادگی ایجاد شود، آنگاه توان سازگاری با آسیب هایی که ناشی از بحران اقتصادی است، ایجاد می شود و این سازگاری باعث می شود که آسیب هایی که مداوم اقتصاد را تهدید می کند، از پیش پا برداشته شود. (آقامحمدی، ۱۳۹۱: ۴۲)

بنابراین می توان گفت: اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که فعالیت های اصلی اقتصادی آن در زمینه تولید و تجارت به مهارت های خود متکی بوده، در تعامل با خارج هوشمند عمل کرده و امکان تغییر سریع و خودکار بدون اختلال جدی در بازار در مقابل فشارها و ضربه های تحمیلی بیرونی از سوی کشورهای متخاصم و غیر همسور داشته و پیشرفت و شکوفایی خود را استمرار ببخشد. اقتصاد مقاومتی گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم شکنی با رویکرد عقب راندن نظام سلطه را داشته باشد و در عین حال پیشرو، فرصت ساز، مولد، درونزا و برونگرا باشد. (قوامی، ۱۳۹۱: ۱۵)

نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که «اقتصاد مقاومتی» با «مقاومت اقتصادی» امری متفاوت است. اقتصاد مقاومتی مدلی است که در تمام شرایط - عادی و بحرانی - کاربرد دارد و باعث ثبات و شکوفایی اقتصادی می شود اما مقاومت اقتصادی مدلی است که در شرایط بحرانی قابل استفاده است. بنابراین نباید این دو را یکی دانست و اقتصاد مقاومتی را در مقاومت اقتصادی تقلیل داد. از سوی دیگر اقتصاد مقاومتی یک پروسه است و در بلند مدت به اهداف خود می رسد اما الگوی مقاومت اقتصادی یک پروژه است و برای دوره کوتاه مدتی و در

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

شرایط خاصی به کار می رود. نکته دیگر اینکه نگارنده در این نوشته الگوی اقتصاد مقاومتی را در مقابل الگوی لیبرالیسم اقتصادی قرار می دهد از اینرو این الگوی جدید مستلزم آن است که ابتدا در کشورهای جهان سوم اجرا شود تا بتواند در مقابل الگوی لیبرالیسم اقتصادی قرار گیرد.

اما دستیابی به اقتصاد مقاومتی شرایط و الزاماتی دارد که عبارتند از:

**۱- مردمی کردن اقتصاد:** مردمی کردن اقتصاد به معنای مشارکت مردم در اقتصاد نیست؛ بلکه به معنای تکیه به مردم در فعالیت های اقتصادی و به معنای آن است که مردم نقش اصلی را در فعالیت های اقتصادی داشته باشند. این امر باعث می شود که از تمام استعدادها و ظرفیت های مردم در جهت تولید ثروت و دست یابی به قدرت، استقلال و امنیت اقتصادی استفاده شود. (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۵۹)

**۲- توانمند سازی بخش خصوصی:** رشد بخش خصوصی می تواند تا حدود زیادی در دور زدن تحریم ها مؤثر باشد.، زیرا تحریم ها به طور معمول دولت ها را هدف می گیرند و شرکت های خصوصی همچنان می توانند از مزایای تجارت برخوردار باشند. از طرفی خصوصی سازی بنگاه های دولتی منجر به کاهش هزینه های تحمیلی از خارج به دولت و افزایش سطح رقابت در تولید و توزیع و در نتیجه افزایش کیفیت می شود. (سیدشکری و کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۲)

**۳- کاهش وابستگی به نفت و خروج از اقتصاد تک محصولی:** راه مطمئن رهایی از وابستگی مخرب به درآمدهای نفتی شکوفاسازی ظرفیت ها و پتانسیل های تولید ملی کشور با مشارکت حداکثری آحاد مردم در اقتصاد می باشد. تا درآمد حاصل از فعال سازی ظرفیت های مزیت دار اقتصاد کشور جایگزین عواید نفت در تأمین بودجه جاری، منابع ارزی و واردات (به ویژه کالا و مواد اولیه، رشد اقتصاد و رفاه گردیده و ثروت نفت پشتیبانی کننده بخش تولید کشور به طور منطقی (نه جایگزین آن) گردد. (آقا محمدی، ۱۳۹۱: ۳۵)

سیاست مالی دولت باید بر مبنای حفظ اقتصاد از نوسانات درآمدی بخش نفت، جلوگیری از ورود درآمدهای نفتی به کشور در دوران رونق و فراهم ساختن رشد بخش خصوصی باشد. سیاست مالی باید در یک دوره زمانی میان مدت با فرض درآمدهای محتاطانه نفتی تنظیم شود. چنین سیاستی اتکای هزینه های دولت را بر درآمدهای کوتاه مدت نفتی کاهش می دهد و درآمد ذخیره ای را برای مقابله با نوسانات به وجود می آورد. در چنین فضایی کسری بودجه دولت باید روند نزولی داشته باشد. (سیدشکری و کاویانی، پیشین: ۱۵-۱۴)



## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

**۴- اقتصاد دانش بنیان:** زیربنایی ترین رکن در اقتصاد مقاومتی، قرار دادن همه کارها و فعالیت ها براساس علم است. یعنی همه چیز باید بر بنیان دانش استوار باشد. زیرا مهمترین عامل ضعف، نادانستن و بی اطلاع ماندن است. (اختری، ۱۳۹۲: ۹۵)

درواقع اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که براساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه قرار گیرند. در قرن بیست و یکم افزون بر عواملی چون سرمایه فیزیکی، نیروی کار و منابع طبیعی عوامل دیگری مانند دانش، اطلاعات و ویژگی های فرهنگی را به عنوان منابع جدید رشد اقتصادی در نظر می گیرند. بنابراین اگر این کشور در دانش از رقیب سبقت نگیرد و نیازمند دانش وی باشد نمی تواند در عرصه اقتصاد، قدرتمند و مستقل باشد. (میرمعزی، پیشین: ۶۶-۶۵)

**۵- حمایت از تولید ملی:** در شرایط اقتصاد مقاومتی مهمترین وظیفه مصرف کنندگان این است که با خرید اجناس داخلی از واحدهای تولیدی حمایت کنند. البته تولیدکنندگان نیز باید به این مسئله توجه داشته باشند که در اقتصاد مقاومتی آنان نیز وظایفی از جمله افزایش کیفیت و کاهش قیمت تمام شده محصولات نهایی را به عهده دارند و قطعا تولیدات داخلی نباید به نحوی باشد که منجر به ضرر و زیان مصرف کنندگان شود و قطعا تولیدکنندگان نباید از شرایط اقتصاد مقاومتی و افزایش خرید محصولات داخلی از سوی مصرف کنندگان سوءاستفاده کرده و کیفیت و یا خدمات پس از فروش کالاهای تولید داخل را کاهش دهند زیرا چنین اقداماتی قطعا حرکت در راستای اهداف اقتصادمقاومتی را با موانع روبرو می کند و درنهایت مشکلات آن دامن گیر خود تولید کنندگان می شود. (دانشمند و تاج گرون و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵)

**۶- مبارزه با مفساد اقتصادی:** فساد اقتصادی نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است. سطح بالای فساد مالی می تواند باعث ناکارآمدی سیاست های دولتی شود و سرمایه گذاری به شدت کاهش می یابد و در نتیجه رشد اقتصادی نیز کاهش می یابد. فساد مالی فعالیت های سرمایه گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت ها و فعالیت های زیرزمینی سوق می دهد. نتیجه بخش بودن سیاست های اقتصادمقاومتی منوط به از بین رفتن فساد مالی یا به حداقل رساندن آن است. (میرمعزی، پیشین: ۶۸-۶۷)

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

**۷- مدیریت مصرف:** تخصیص منابع بین مصرف حال و آینده یکی از بنیانی ترین انتخاب های اقتصادی است که بر زمان حال و نسل آینده تأثیر می گذارد. از طرفی تولید و توزیع وسایلی برای تأمین مصرف می باشند و هدف نهایی همه تلاش ها و کوشش های اقتصادی افراد مصرف است. الگوی مصرف در اقتصاد کلان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، از یک سو به این دلیل که مخارج مصرفی در درآمد ملی دارای سهم بزرگی است و از سوی دیگر آن بخش از درآمد ملی که مصرف نمی شود، سرانجام پس انداز و سرمایه گذاری خواهد شد و می تواند بر متغیرهای دیگری مانند تورم، واردات و ... اثر گذار باشد. (سیدشکری و کاویانی، پیشین: ۱۸) در حوزه مصرف باید به دو نکته اساسی توجه شود: الف) پرهیز از اسراف و استفاده بهینه از منابع ب) استفاده از کالاهای داخلی به جای محصولات خارجی که پیشتر نیز بدان اشاره شد.

**۸- بهره وری:** در نظام اقتصادی علاوه بر کار باید به میزان بهره وری نیز توجه شود. سه کارکرد مهم بهره وری عبارتند از:

الف) پایداری: یعنی اینکه وقتی ما بتوانیم از نهاده های محدود ستانده های بیشتری تولید کنیم باعث می شود طول عمر صنایع در دسترس افزایش یابد و این یعنی پایدار سازی چشم انداز تولید. پس هر جامعه ای که بهره وری باشد پایدارتر محسوب می شود؛

ب) توان رقابت: بهره وری به یک اعتبار به معنای جایگزینی نهاده دانایی با نهاده مادی است که مهمترین تفاوت نهاده دانایی با منابع مادی این است که نهاده دانایی پایان ناپذیر است. در عرصه دانایی ما با فراوانی روبرو هستیم. بنابراین هر میزان که دانایی جایگاه والاتری پیدا کند به معنای نیاز کمتر به منابع مادی است و باعث می شود که محصول با قیمت کمتر کیفیت بیشتر و محصول فراوان تر که این باعث ارتقای توان رقابت است.

ج) رفاه بیشتر: بهره وری بالاتر به معنای این است که به طور همزمان با افزایش درآمد و کاهش قیمت روبرو هستیم و این به معنای رفاه بیشتر است. (امینی، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۲)

**۹- مدیریت منابع ارزی:** یکی از مسائلی که استقلال اقتصادی را تضعیف و وابستگی اقتصادی را تشدید می کند، نیاز به ارز خارجی است. بنابراین باید نیاز به ارز خارجی کاهش پیدا کند (کاهش واردات) و در تحصیل و تخصیص آن بهترین مدیریت به کار رود. (میرمعزی، پیشین: ۶۲)

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۱۰- **متنوع سازی اقتصاد:** یکی از ویژگی های یک اقتصاد مقاوم، متنوع بودن فعالیت های اقتصادی و تولیدی در آن اقتصاد است. متنوع سازی فعالیت های اقتصادی باعث می شود تا در صورت وقوع شوک در یکی از بخش های اقتصادی، کل فعالیت های اقتصاد تحت تأثیر قرار نگیرند. بنابراین باید تلاش کرد که درآمدهای صادراتی تنها متکی به یک بخش نباشد. (سیدشکری و کاویانی، پیشین: ۸)

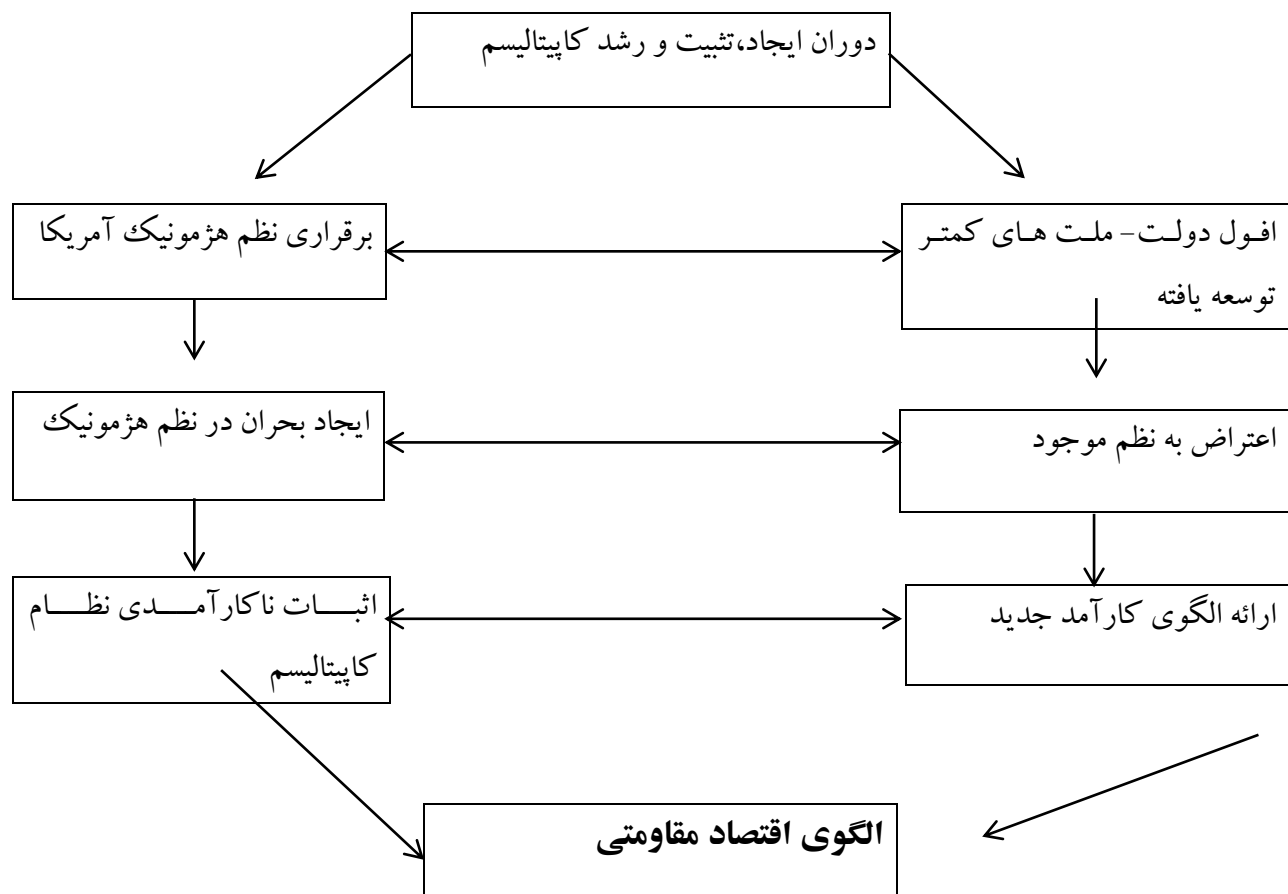
۱۱- **فعال کردن دیپلماسی اقتصادی:** یکی از اساسی ترین کارهای لازم در اقتصاد مقاومتی در بعد جهانی و منطقه ای فراهم آوردن ساختارها و سازوکارهایی است که کشور را از زورگویی های سیستم حاکم بر جهان و نهادهای در خدمت آن ها در امان نگه دارد، اتخاذ سیاست گسترش پیمان های دوجانبه با کشورهای همراه و همسو را می توان جایگزین پیوستن به پیمان های جهانی نمود. باید در معاملات تجاری خود با جهان خارج هر چه سریعتر به سمت استفاده از پول های کشورهای دو طرف حرکت کرد. این سیاست به تریج می تواند محوریت دلار را در اقتصاد دنیا با تهدیدی مواجه سازد و در عین حال آسیب پذیری اقتصاد ملی از نوسانات نرخ دلار را مهار نماید. (عیسوی، ۱۳۹۱: ۴۶) بنابراین باید هرچه بیشتر در ایجاد پیوندهای راهبردی اقتصادی با سایر کشورها در سایه تعامل سازنده تلاش کرد.

۱۲- **حفظ وحدت و انسجام ملی:** وحدت و انسجام ملی بزرگترین سرمایه اجتماعی است که حرکت در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی را تسریع می کند. اختلاف و تفرقه در این راه باعث هدر رفتن نیروها و سرمایه ها و از دست دادن فرصت ها می شود. از این رو حفظ وحدت یکی از مهم تری سیاست های کلان در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است. (میرمعزی، پیشین: ۶۹)

۱۳- **بومی سازی فناوری:** فناوری شامل مهارت ها، دانش و روش ساخت، اسفاده و انجام دادن کارهای مفید است. راه حلی که توسط بعضی از کارشناسان پیشنهاد می شود، تقلید بجاء، به موقع و عاقلانه از روش های فنی کشورهای پیشرفته است. از این طریق می توان کالاهای ضروری و گاه صادراتی را تولید کرد و به مزیت نسبی در یک یا چند کالا رسید و درواقع از فناوری هایی استفاده کنند که با محیط داخل سازگارترند. (سیدشکری و کاویانی، پیشین: ۱۶-۱۷)

# همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۱۴- درون زا بودن: اقتصاد مقاومتی درون زاست. یعنی از دل ظرفیت های خود کشور و خود مردم می جوشد. اقتصاد مقاومتی درون گرا نیست؛ یعنی بدان معنا نیست که ظرفیت های خارجی را در نظر نگیریم و تنها به ظرفیت های داخل متکی باشیم. اقتصاد مقاومتی برون گراست و به سایر نقاط جهان توجه دارد و با آن ها تعامل می کند و با سایر قدرت های اقتصادی با قدرت مواجه می شود.



مدل مفهومی تحقیق

# همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

## نتیجه گیری

پس از دوران رشد و گسترش لیبرالیسم این سیستم با چالش هایی چون نگاه تک بعدی به انسان، تأمین منافع سرمایه داران و بی توجهی به اقشار فقیر و ناتوان از تولید، بی تعهدی و خودمحموری و بی هنجاری اعضای جامعه، رابطه استثماری میان کشورهای مرکز و پیرامون و... روبرو شد. در نظام سرمایه داری، اصل، رشد سرمایه دارهاست و تنها بعد مادی وجودی انسان را مورد توجه قرار می دهند و از سایر اقشار و بعد معنوی انسان غافل هستند. اقتصاد اسلامی مدلی از اقتصاد ارائه می دهد که ضمن توجه به همه اقشار، دو بعد وجودی انسان را نیز مدنظر قرار داده است. یکی از وجوه اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی است که طی چندسال گذشته توسط حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) مطرح شد.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که ضمن اتکای به ظرفیت های داخلی کشور، در تعامل با خارج هوشمند عمل کرده و امکان انعطاف پذیری را در شرایط مختلف داراست. این الگو دارای ویژگی هایی چون: مردمی بودن، توجه به بخش خصوصی، حمایت از سرمایه گذاران داخلی و خارجی، ایجاد فضای رقابت سازنده در عین همکاری، عدم تک محصولی بودن، اقتصاد دانش بنیان، حمایت از تولید ملی و... می باشد.

بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت به دنبال ناکارآمدی سیستم سرمایه داری مدل اقتصاد مقاومتی می تواند بهترین جایگزین آن باشد البته برای تبدیل شدن این الگو به یک مدل جهانی ابتدا باید در داخل ایران به اجرا درآورده شود و پس از اجرای موفق، آن را به سایر نقاط جهان صادر کنیم که البته اجرای آن در داخل با چالش ها و فرصت هایی همراه است که نیازمند بحث جداگانه ای است.

# همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

## منابع

- ۱- اختری، عباسعلی (۱۳۹۲)، **اقتصاد مقاومتی: زمینه ها- راهکارها**، تهران: نشر امیرکبیر.
- ۲- براتعلی پور و توسلی وحسینی زاده و فتحعلی، مهدی و حسین و محمدعلی و محمود، (۱۳۸۶)، **جامعه گرایان و نقد لیبرالیسم**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۳- جکسون و سورنسون، رابرت و گنورگ (۱۳۸۵)، **درآمدی بر روابط بین الملل**، ترجمه مهدی ذاکریان و احمد تقی زاده و حسن سعید کلامی، تهران: نشر میزان.
- ۴- حسینی نسب، سیدرضا ( )، **مبانی اقتصاد اسلامی**، تهران: نشر
- ۵- خالقی، احمد (۱۳۸۵)، **جهانی شدن سرمایه**، تهران: نشر گام نو.
- ۶- راتکاف، دیوید (۱۳۸۵)، **ابوطبقه**، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر کویر.
- ۷- قاسمی، فرهاد، (۱۳۹۱)، **اصول روابط بین الملل**، تهران: نشر میزان.
- ۸- قحف، منذر (۱۳۷۶)، **مقدمه ای بر اقتصاد اسلامی**، ترجمه دکتر عباس عرب مازار، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۹- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲)، **روابط بین الملل (نظریه ها و رویکردها)**، تهران: نشر سمت.
- ۱۰- لارسون و اسکیدمور، توماس و دیوید (۱۳۸۷)، **اقتصاد سیاسی بین الملل تلاش برای کسب قدرت و ثروت**، ترجمه دکتر احمد ساعی و دکتر مهدی تقوی، تهران: نشر قومس.
- ۱۱- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، **تحول در نظریه های روابط بین الملل**، تهران: نشر سمت.
- ۱۲- هانت، ای.ک (۱۳۸۵)، **تکامل نهادها و ایدئولوژی های اقتصادی**، ترجمه سهراب بهداد، تهران: نشر آگه.
- ۱۳- لطفیان، سعیده (۱۳۸۹)، **جنبش وال استریت و آینده نظام سرمایه داری آمریکا**، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ۱۴- امیری طهرانی زاده و افروغ، سیدمحمد رضا و عماد (۱۳۹۳)، «نقد روش شناسی اقتصاد اسلامی شهید صدر از دیدگاه انتقادی»، **فصلنامه علمی- پژوهشی روش شناسی علوم انسانی**، ش ۲۰ و ۷۸.

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

- ۱۵- جوادی ارجمند و حق گو، محمدجعفر و جواد (۱۳۹۰)، «عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی (ره) و نظریه انتقادی روابط بین الملل»، **مطالعات انقلاب اسلامی**، ش ۲۶.
- ۱۶- دانشمند و تاج گردون و زالی و فتحی و آل اسحاق و مصباحی مقدم و عدالتیان و ندیمی و حسینی و عسکراولادی و کلاتری، مسعود و غلامرضا و عباسعلی و ارسالان و یحیی و غلامرضا و جمشید و ایرج و سیدحمید و اسدالله و عیسی (۱۳۹۱)، «عبور از بحران ها با پیاده سازی کامل اقتصاد مقاومتی در کشور»، **نامه اتاق بازرگانی**، ش ۷۰.
- ۱۷- دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۰)، «بحران در اقتصاد جهانی: جهانی شدن سرمایه و صنعتی شدن جهان سوم از دهه ۱۹۷۰»، **رهیافت های سیاسی و بین الملل**، ش ۲۲.
- ۱۸- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷)، «نظریه انتقادی: چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، ش ۱۰.
- ۱۹- سیدشکری و کاویانی، خشایار و زهرا (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی: ویژگی های آن، فرصت ها و تهدیدها»، **دفتر مطالعات سیاسی**.
- ۲۰- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۸)، «معنا و نظام سرمایه داری: بحران معنایی سرمایه داری و بحران اقتصادی»، **سوره اندیشه**، ش ۷.
- ۲۱- میرمعزی، سیدحسن (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، **اقتصاد اسلامی**، ش ۴۷.
- ۲۲- یزدانی و قاسمی و شاه قلعه، عنایت الله و داریوش و صفی الله (۱۳۹۰)، «انقلاب اسلامی ایران، نظام بین الملل و نظریه انتقادی»، **فصلنامه دانش سیاسی**، ش ۱۴.
- ۲۳- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۹)، «اهداف اقتصاد تعاونی، رابطه آن با اهداف نظام اقتصادی اسلام و قانون جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی**، ش ۴۰.
- ۲۴- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۵)، «مطالعات آمریکا: ثبات هژمونیک در استراتژی اقتصادی»، **مطالعات راهبردی**، ش ۳۴.
- ۲۵- کریمی پورو کامران (۱۳۸۱)، «جهانی شدن منطقه گرایی و دولت- ملت ها»، **پژوهش های جغرافیایی**، ش ۴۲.
- ۲۶- تاب، ویلیام (۱۳۸۷)، «چهار بحران سرمایه داری امروز»، ترجمه هاشمی، **چیستا**، ش ۲۵۴ و ۲۵۵.

## همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۲۷- تاری و علی زاده و دانش جعفری و درخشان و سید نورانی و عیسوی و قوامی و معصومی نیا، فتح اله و امیرخادم و داوود و مسعود و سیدمحمدرضا و محمود و سیدحسن و غلامعلی، (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی [www.mderakhshan.ir](http://www.mderakhshan.ir) سیاست ها و راهکارها» در:

۲۸- علی زاده و دانش جعفری و درخشان و عیسوی و قوامی و میرمعزی، امیر خادم و داوود و مسعود و محمود [www.mderakhshan.ir](http://www.mderakhshan.ir) و سیدحسن و سیدحسین، (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری» در:

۲۹- آمینی و درخشان و طالبو و میرمحمدی و نوراحمدی، (۱۳۹۱)، «تولید ملی حمایت از کارو سرمایه ایرانی» [www.mderakhshan.ir](http://www.mderakhshan.ir) در:

۳۰- آقا محمدی و دانش جعفری و درخشان، علی و داوود و مسعود، (۱۳۹۱)، «سیاست های مناسب پولی، ارزی و مالی» در: [www.mderakhshan.ir](http://www.mderakhshan.ir)